

مصاحبه کننده : سنا (SANA) از تلویزیون چینل (RAI UNO) ایتالیا  
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ «2015-11-20» .  
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

مصاحبه بشرالاسد : القاعده توسط ایالات متحده امریکا  
با مصارف مالی سعودی های وهابی بوجود آمد، ، ترکیه ،  
عربستان سعودی و قطر حامی دولت اسلامی عراق و سوریه  
میباشند

### **Bashar Al Assad interview: Al-Qaeda Was created by the America the help of Saudi Wahabi Money” Turkey, Sausi ,Qarar Support Isl**

**د مشق : سنا – مصاحبه بشرالاسد با تلویزیون ایتالیا چینل (RA UNOI)**  
را نیلأ بخوانید .

**پرسش اول :** آقای رییس جمهور تشکر از فرصتی که شما برایم عطا میفرمایید  
و یافرصتی را در اختیار من میگذارید که با شما مصاحبه نمایم . اجازه دهید  
که پرسش ام را از وقوع رخداد در پاریس آغاز نمایم و آن اینکه واکنش شما  
به ارتباط این رخداد در پاریس چسان است ؟

**رییس جمهور اسد :** من صریحاً میتوانم اظهار نمایم که این رخداد یک عمل  
وحشیانه و شنیع و در عین زمان یک واقعه دلخراش و غمگین بود که با شنیدن  
آن از اینکه انسا نهایی بی گناه زندگی شان را از دست دادند و آنهم برای هیچ مرا  
متاثر ساخت و یا بهتر است بگویم که برتاثرات من افزود چونکه ما در اینجا  
یعنی در سوریه هر روز عزیزان و هموطنان خود را از دست میدهم  
و احساس این درد در نزد همه فامیل ها نسبت به از دست دادن اعضای فامیل  
های شان موجود است . ما این درد و تاثر را عمیقاً درک مینمایم و از اعمال  
غیر انسانی تروریست ها کاملاً واقف ایم که این تروریستهای ددمنش  
و بربرها از مدت پنج سال است که به قتل و قتل مردم ما دست بکار شده اند  
و برای مردم ما رنج و عذاب را روا میدارند – ما همانطوریکه راجع به این

رخداد غم انگیز پاریس فکر میکنیم به همانسان به ارتباط رخداد غم انگیز بیروت و سقوط دادن هواپیمای ملکی روسیه که چندی قبل بر فراز سینا در مصر رخداد نیز متاثر و در اندوه فامیل های که عزیزان شان را از دست دادند خود را غم شریک نیز می شماریم اما در پهلوی آن آیا دیگران و بویژه غربی ها نیز به ارتباط قتل و کشتار مردمان بی گناه که توسط این تروریست ها صورت میگیرد نیز فکر مینمایند؟ آیا آنها فکر مینمایند که ما در این مدت پنج سال چه تعداد هم میهنان خود را از دست دادیم و روزی نیست که مردم ما ضربات این تروریست ها را احساس نه نمایند و عزیزی خود را از دست ندهند اجازت دهید بعرض برسانم که من نمیخواهم احساسات خود را جنبه سیاسی بدهم به احساسات نباید جنبه ای ملیت گرای و یا ناسیونالیستی داده شود احساس خود یک درک عاطفی انسان میباشد که از دیدن و شنیدن یک رخداد تاثر آور جریحه دار میشود.

**پرسش دوم:** گفته میشود که در عقب این رخداد تاثر آور دست داعش بوده یعنی که این رخداد بواسطه گروه داعش صورت گرفته است، به نظر شما اینجا در دمشق داعش چقدر توان و قدرت دارد؟ نظر شما در این مورد چیست؟ و چسان باید علیه این تروریست های داعشی بالمقابل در اینجا در روی زمین جنگید؟

**ریس جمهور اسد:** حکومت اسلامی عراق و سوریه اینجا در سوریه تحفظ برای رشد و نشونما خود ندارد.

**ریس جمهور اسد:** اگر سوال شما به ارتباط نیرومندی داعش اینجا در سوریه باشد – سوالی را که نخست از همه در این مورد طرح مینماید اینطور باید باشد که آیا داعش مهدی و یا آتشیانهای برای رشد و پیشرفت خود اینجا در سوریه دارد؟ من صریحاً بشما میگویم که داعش نه بصورت کسبی نه بصورت طبیعی ابداً اینجا در سوریه لانه ای برای رشد خود ندارد شاید شما بعضی از جاها را در برخی از سرزمین ها سراغ داشته باشید که در آنجا برای رشد داعش زمینه و شرایط مساعد گردانیده میشود ولی این زمینه در سوریه برای آنها وجود ندارد و ما نمیخواهم که همچو زمینه ها برای آنها در سوریه مساعد گردد – که این خود یک خبر خوش و قابل اهمیت و اطمینان میتواند باشد ولی نباید فراموش کرد و آن اینکه اگر موضوع داعش زمان طولانی را دربرگیرد

واز طرف حامیان آنها اگر در تحت حمایت قرار گیرند طوریکه همین اکنون تحت حمایت و پشتیبانی حلقه‌های ذینفع قرار دارند در آن صورت ممکن است این گروه با ایدیولوژی در دست داشته قرون وسطای شان اکثر جوامع انسانی را ملوث و وادار به دگرگونی خواهد ساخت .

**پرسش سوم:** بلی همینطور اما بعضی از تروریستان اینجا در سوریه قرار معلوم میگویند که آموزش دیده اند؟ صرف چند کیلومتر دورتر از اینجا؟ این به چه مفهوم و معنی است؟

**ریس جمهور اسد:** مفهوم آن اینست که این تروریستها توسط ترکیه- سعودی ها و قطری ها البته با حمایت از غرب و بخاطر تحقق پالیسی های غرب تربیه و برای ترور نمودن مردم بسیج شده اند و میشوند - این تروریستها از آغاز بحران تا اکنون با وسایل و ذرایع مختلف تحت حمایت و پشتیبانی غرب قرار گرفته اند و آنها را غربیها برای تامین منافع خود پرورده اند - البته که این کدام موضوع مرموز و پنهان نیست که ما در اینجا یعنی در دمشق پیرامون آن نگران باشیم و من آنطوریکه قبلاً یاد اوری نمودم داعش در سوریه هسته و مهد نمو و رشد ندارد و شما نباید در این مورد تشویش را بخود راه دهید چونکه برای این تروریست ها اولاً در اینجا جای رشد نیست و ثانیاً ممکن است که آنها تا مدتی که در تحت حمایت غرب قرار دارند برای مدتی نیرومند باقی بمانند بخصوص آن کشورها چه در غرب و یا چه که در شرق میانه از آنها حمایت و پشتیبانی خود را دوام دهند



بشرا لاسد ریس جمهور سوریه با خبرنگار ایتالیایی در حین مصاحبه

**پرسش چهارم:** آقای رییس جمهور: اینجا در غرب چین می اندیشند - که شما یکی از آن کسانی هستید که داعش را آغاز تحت حمایت شما قرار داشت و آنهم که شما میخواستید در بین دشمنان خود تفرقه ایجاد نما بدوکنش شما در اینمورد چیست؟

**رییس جمهور اسد:** القاعده توسط ایالات متحده امریکا بوجود آمده است .  
**رییس جمهور اسد:** بنا به گفته های بعضی از منابع رسمی ایالات متحده امریکا بشمول « هیلری کلینتون » القاعده بواسطه ایالات متحده امریکا و به کمک مالی عربستان سعودی بخاطر تامین منافع امریکا و گسترش ایدئولوژی سعودی های وهابی بوجود آمده است. بر علاوه « هیلری کلینتون » بسیاری از سران رسمی ایالات متحده امریکا همسان تایید نموده اند ایجاد القاعده توسط ایالات متحده امریکا با کمک مالی عربستان سعودی صورت گرفته است. باید اذعان کرد که دولت اسلامی عراق و سوریه و شاخه ای « النصر » سازمانهای پیرو القاعده میباشند یعنی که مبدای این سازمانها القاعده میباشد - همه میدانند که القاعده در سال (2006) به رهبری الزرقاوی (Al Zerqawi) در عراق پایه گذاری شد و بعداً الزرقاوی توسط نیروهای امریکایی کشته شد بناً میتوان گفت که القاعده در تحت نظارت مستقیم ایالات متحده امریکا در عراق بوجود آمد و رهبر کنونی دولت اسلامی عراق و سوریه مسما به « ابوبکر البغدادی » کسیکه در زندان ایالات متحده امریکا بود و بعداً از حبس رها میشود به این بنیاد میتوان گفت که آقای البغدادی در سوریه نبوده و در سوریه به فعالیت و یا به ایجاد دولت اسلامی عراق و سوریه نپرداخته او در عراق و در افغانستان به فعالیت های تروریستی دست میزد و بعداً به ایجاد دولت اسلامی عراق و سوریه اقدام مینماید. بقول **تونی بیلر (Tony Blair)** صدراعظم قبلی بریتانیا «**جنگ عراق کمک نمود که دولت اسلامی عراق و سوریه بوجود آید.**» لهذا امیدوارم که تشویش شما را تفصیل و تذکرات فوق برطرف نموده و به سوال شما پاسخ داده شده باشد .

**پرسش پنجم:** اگر به نقشه کنونی سوریه نظر انداخته شود مرزی بین سوریه و عراق بملاحظه نمیرسد یعنیکه بین عراق و سوریه اصلاً مرزی وجود ندارد؟ لذا شما کدام بخش از سوریه را در تحت حاکمیت خود دارید؟  
**رییس جمهور اسد:** اگر سوال شما به ارتباط نقشه ای جغرافیای سوریه باشد

من در پاسخ به سوال شما می‌خواهم بگویم: که باگذشت هر روز این نقشه ای جغرافیوی در حال تغییر می‌باشد و یا هر روز تغییر می‌خورد ولی آنچه مهم به نظر می‌آید اینست که چه تعداد نفوس و یا جمعیت در تحت کنترل دولت قرار دارد؟ که این خود یک موضوع بخصوص است و آن اینکه اکثریت مناطق و محلات که قبلاً در تحت تصرف دشمنان ما بود اکنون آن محلات آزاد شده است و در تحت حاکمیت دولت ما قرار دارد یعنی که این محلات را از دست تصرف تروریست‌ها آزاد ساخته ایم و تروریست‌ها را به ترک آن محلات مذکور مجبور گردانیده ایم و یا اینکه مردم آن محلات به اراده خود از دولت ما حمایت خود را اعلان نموده اند سوال مهم اینست که به چه تعداد مردم و یا چه تعداد نفوس از مردم تا هنوز از دولت ما حمایت مینمایند؟ و به کمک آنها با گذشت هر روز نیروهای نظامی ما محلات از دست رفته را یکی بعد از دیگری بدست می‌آورند و از تصرف تروریست‌ها آزاد می‌سازند و همچنان نباید از نظر پنهان نمود که ما بعضی از محلات را نیز از دست می‌دهیم و در تحت کنترل تروریست‌ها قرار می‌گیرد چونکه نظامیان ما نمیتوانند در هر بخش از سوره دائماً حضور داشته باشند اما آنچه که شما به ارتباط نقشه سوریه سوالی را قبلاً مطرح نمودید و آنچه که من وقتاً فوقتاً رسانه‌ها و مدیا غرب را دنبال مینمایم و یا اینکه بشما توضیح نموده اند و یا گفته اند که دولت سوریه تنها (50%) ساحات سوریه را در تحت تصرف خود دارد و در حدود (50 یا 60%) ساحات و محلات از سکنه خالی است و یا شما در آن محلات کسی را نمی‌بینید این همه تبلیغات زهرآگین غرب است که این محلات را با وجودیکه خالی از سکنه میدانند آن را به تصرف تروریست‌ها اشاعه و تبلیغ مینمایند پس در صورتیکه محلات مذکور خالی از مردم باشد پس چسان شده میتواند که این محلات در تحت تصرف تروریست‌ها باشد؟ جواب ساده است و آن اینکه این غربی‌ها اند که در امور داخلی کشورها مداخله مینمایند و بحران را در کشورها دامن می‌زنند.

**پرسش ششم:** بلی من در مورد مرز بین عراق و سوریه پرسیدم؟

**ریس جمهور اسد:** بلی بعد از دمشق بطرف عراق محلات خالی از سکنه مردم می‌باشند یعنی ساحات بی‌دولت از سکنه است پس شما نباید به ارتباط کنترل آن محلات بپرسید و یا سوالی را طرح نماید چونکه محلات از سکنه و مردم خالی است چه که این محلات در تحت کنترل تروریست‌ها و یا چه که

در تحت کنترول دولت باشد و یا نباشد موضوع بخصوصی است اما آنچه را که نباید فراموش کرد آنست که در این مرزها تمام تروریستها توسط دولت ترکیه و دولت اردن حمایت و پشتیبانی میشوند. پس به این دلیل است که سرحدات و مرزها از بین رفته و آن اینکه وقتی شما کنترول مرزها را در دست داشته باشید ضرورت آن می‌رود که مرزها بین دولت‌ها از هر دو طرف باید تحت نظارت قرار داشته باشد نه توسط یکطرف - زیرا اردن و ترکیه و عراق از این مرزها نظارت بعمل نمی‌آورند و گذاشته اند که به آسانی تروریستها در عبور و مرور از این مرزها باشند .

**پرسش هفتم :** خوب - هفته گذشته به ارتباط سوریه دو جلسه ای مهم سران و نمایندگان کشورها در (ویانا) اطریش و در (انتالیا) ترکیه صورت گرفت و به ارتباط وضع سوریه بینهم به مشوره و صحبت پرداختند- و بشتر نمایندگان به ارتباط برگزارشدن حکومت انتقالی در سوره به جروبحث پرداختند و یا اینکه موقف ها گوناگون شان را توضیح دادند و سرانجام همه اشتراک کنندگان این همایش توافق نمودند که در سوریه حکومت انتقالی جاگزین شود و بعد از (18) ماه انتخابات صورت گیرد و شخص را بحیث رییس جمهور انتخاب نمایند. یعنی این نمایندگان کشورها ی اشتراک کننده در این جلسه فیصله نمودند که جناب شما از قدرت باید دست کشد - لذا نظر و موقف شما به این ارتباط چطور است ؟

**رییس جمهور اسد :** قسمت عمده جروبحث ها و گفت و مگوها در نشست ویانا در مورد روند سیاسی و در مورد سوریه بود و آن اینکه توافق دولت سوریه به این ارتباط از چه قرار است ؟

**رییس جمهور اسد :** نه ، بیانات و گفت و مگوها در این نشست به ارتباط رییس جمهور نبود بلکه صحبتها بیشتر به ارتباط اوضاع سیاسی سوریه متمرکز بود و آن اینکه دولت سوریه در این مورد چه نظر و یا چه توافق دارد لذا اکثر جمله بندیها و صحبتهای داغ سیاسی و دیپلماتیکی در مورد قانون اساسی و رییس جمهور و یا هر رییس جمهور دیگر در سوریه بود که بادر نظر داشت قانون اساسی دولت سوریه به چسان بقدرت تکیه زند و به چسان از قدرت کنار رود اما نه به اساس نظریات این و آن دولت های غربی و یا دولت های که در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله مینمایند - پس همانطور و یا از آنجا یکه شما در مورد



اجماع از سوری ها صحبت مینماید و به فیصله مردم سوریه وقع میگذارید و یا تصمیم اجماع سوریه را محترم میشمارید پس بهتر است گفت و مگوهای اجلاس «ویانا» به ارتباط جدول زمانی را فراموش نماید زیرا فیصله اجماع مردم سوریه مشکل را حل و فصل مینماید و من هم هر آنچه که مردم سوریه در اجماع خود به توافق میرسند من آن را محترم میشمرم و منتظر تصمیم اجماع مردم سوریه میباشم پس در صورتیکه اگر در طول (18) ماه نتوانیم به توافق برسیم پس چه واقع خواهد شد؟ شما بسی چیزهای را در سر می پرورانید یا بگذار چنین افاده نمایم چیزهای غیر ضروری و غیر لازم! بخش عمده اینست که ما و شما با هم می نشینیم اما نه اینکه جدول زمانی از خود ساخته و پرداخته را بالای دولت سوریه اعمال نمایم.

**پرسش هشتم:** من فهمیدم و یا من دانستم - و آن اینکه آیا شما به ارتباط گزینش مبنی به ترک از قدرت خود فکر میکنید؟ یعنی که آیا شما میخواهد از قدرت کنار روید؟ یا شما موافق هستید که انتخابات بیرون از شما برگزار شود.

**ریس جمهور اسد:** این بستگی به آن دارد که منظور شما از انتخابات یعنی چه است؟ منظور شما انتخابات پارلمانی است و یا انتخابات ریاست جمهوری؟

**پرسش نهم:** منظورم از انتخابات پارلمانی است؟

**ریس جمهور اسد:** به ارتباط انتخابات پارلمان - البته که باید انتخابات پارلمانی صورت گیرد چونکه در انتخابات پارلمان فهمیده میشود که در سوریه کدام نیروی سیاسی در بین مردم سوریه دارای وزنه ای بیشتر و بلند میا شد که البته انتخابات پارلمانی در واقعیت امر ریشه ای اصلی و اساسی حل معضله کنونی سیاسی سوریه میتواند شمرده شود. چونکه اکنون هرکس ادعا مینماید که من مخالف یا اپوزیسیون (opposition) هستم، اینکه من اپوزیسیون هستم یعنی به چه مفهوم؟ شما موضوع مخالف و یا اپوزیسیون را چطور تفسیر مینماید؟ به نظر میرسد که از طریق انتخابات پارلمانی و اخذ چوکی ها در پارلمان بشما روشن میسازد که حکومت آینده را آن نیروی سیاسی به تصرف خود در میآورد که تعداد چوکی های بیشتر را در پارلمان از آن خود ساخته باشد - البته که این روند بعد از تصویب قانون اساسی جدید سرو صورت خواهد گرفت این مطلب را من محضاً بعنوان یک پیشنهاد خواستم تذکر دهم - اکنون من بشما در موردیکه ما به توافق رسیده ایم چیزی نمیتوانم بگویم.

**پرسش دهم:** اما در ارتباط انتخابات ریاست جمهوری چطور؟  
**ریس جمهور اسد:** انتخابات ریاست جمهوری، اگر در دیالوگ و گفت و مگوها موضوع انتخابات ریاست جمهوری سوریه مدنظر باشد و بخواهند که انتخابات ریاست جمهوری در سوریه براه افتد پس به آن نمیتوان بجز از خط قرمز چیزی دیگری گفت بگونه ای مثال: و در ارتباط به آن که البته این تصمیم من نیست بلکه این موضوع به اجماع مردم سوریه تعلق میگیرد که آنها در این مورد چه تصمیم میگیرند که مسلماً حق به آنها است.

**پرسش یازدهم:** آیا ممکن است که اینجا کسی دیگری که مورد اعتماد شما باشد به نیابت شما در روند انتخابات ریاست جمهوری شرکت نماید؟

**ریس جمهور اسد:** یک کسی مورد اعتماد من یعنی چه و یا به چه مفهوم؟  
**پرسش دوازدهم:** منظورم از کسیکه شما او را به نیابت خود ترجیح میدهد که او بعوض شما در آینده این وظیفه را پیش ببرد؟

**ریس جمهور اسد:** { یک تبسم } اری خو اینطور ... این بدان مفهوم است که من باید پیرامون ملکیت شخصی خود ابراز نظر و یا صحبت بنمایم و یا پیرامون آن تصمیم بگیرم یعنی که من بروم و بجای خود کسی دیگری را بگمارم در حالیکه من در آن موقف نیستم چنین ادعا نمایم که ریاست جمهوری مال و ملکیت من است بلکه این یک موضوع کاملاً ملی و بمردم سوریه تعلق دارد نه به اشخاص و افراد.

**ریس جمهور اسد:** تروریست ها مانع عمده و هرگونه پیشرفت سیاست واقعی میباشند.

**پرسش سیزدهم:** اگر من خوبتر فهمیده باشم پس اجازه دهید بپرسم که جدول زمانی واقعی که با جدول زمانی شما کاملاً وفق داشته باشد و یا همسان باشد کدام است؟ منظورم از یادآوری آن جدول زمانی واقعی است که راه بیرون رفت از بحران کنونی را هموار سازد؟ و یا از این بحران بدرشود؟

**ریس جمهور اسد:** جدول زمانی - شما اگر میخواهد که به ارتباط جدول زمانی صحبت نمایم پس این جدول زمانی بعد از شکست تروریسم آغاز میشود البته که قبل از شکست تروریستها اصلاً از جدول زمانی حرفی در میان نبود چونکه شما از نقطه نظر سیاسی نمیتوانستید به کدام موردی دسترسی حاصل نمایید چونکه بیشتر محلات و ساحات کشور در تحت تصرف تروریست ها قرار داشت



و اینها مانع هرگونه بگو مگو ها به ارتباط مذاکره و دیالوگ بودند یعنی که مانع عمده روند هرگونه برخورد های سیاسی و حل منازعه بودند لذا اگر ما بعد از این پیرامون جدول زمانی صحبت نمایم به نظر من مدت زمان یک سال ونیم و یا دوسال را در پی خواهد داشت یعنی این مدت برای هرگونه دوره انتقالی کافی خواهد بود اما آنهم در صورتیکه شما اگر قانون اساسی جدید را در دست داشته باشید یا به عباره دیگر برویت قانون اساسی جدید این مدت و میعاد برا دوره انتقالی کاملاً بسنده خواهد بود . که به دنبال آن رفتیم - بعداً انتخابات پارلمانی و یا بعضی پروسیجرهای لازمه دیگر روبراه خواهد شد چه که این انتخابات از نوع پرزیدنشال (presidential) و یا کدام نوع دیگر از انتخابات باشد که اهمیت نخواهد داشت البته که مدت زمان بیش از دوسال را دربر نخواهد گرفت .

**پرسش چهاردهم :** در اینجا بعضیها از مخالفین و یا از اپوزیسیون (opposition) صحبت مینمایند و شما طی همین سال در اکثر صحبت های خود یاد آور شده اید که من در مورد مخالفین و یا اپوزیسیون نمی اندیشم بخصوص در مورد آنهایکه می جنگند و یا مصروف فعالیت های تروریستی اند که نباید به این گروه ها و تروریستان عبارت و یا واژه ای مخالفین و یا اپوزیسیون بکار رود آیا شما اکنون به گفته های قبلی خود اصرار میورزید و یا در این مورد ذهن شما تغییر نموده است ؟

**ریس جمهور اسد :** من میخواهم این موضوع را با آوردن مثال از کشور شما پیشکش نمایم ، شما هرگز مخالفین و یا اپوزیسیونی را که تفنگ ماشیندار و مسلسل را بدست گیرد و به مقبل کشور و مردم تان بجنگد و مردم شما را به قتل برساند زیربنای ها و ساختمان ها و ملکیتهای عامه را تخریب و به آتش کشاند نمیخواهد و یا هیچ یک کشور دیگر همچو وضع و حالت را نمیخواهد پس اینها تروریست اند نه مخالفین - بیاد باید داشت که واژه مخالفین یک اصطلاح و یا یک واژه سیاسی است و این اصطلاح نباید بزعم افراد و نظریات اینکس و آنکس تعریف و تفسیر شود البته که مخالفین در روند انتخابات و با در نظر داشت رای شماری از صندوق انتخابات تعریف و تعیین و مشخص میگردد نه اینکه هر گروه و لگردد و او باش تروریست را اپوزیسیون نامید .

**پرسش پانزدهم :** پس شما همین اکنون به ارتباط اپوزیسیون چه نظر دارید؟

منظورم از مخالفین سیاسی شما میا شد؟

**ریس جمهور اسد:** به نظرم بهتر است از مردم سوریه پرسیده شود که این مخالفین کی ها اند یعنی اگر مردم سوریه با اراده خود مخالفین را برگزینند - آنوقت است که میتوان آنها را مخالفین واقعی سیاسی نام نهاد - اینست که من موکداً اصرار میورزم و یا به این اندیشه ام که مخالفین سیاسی در سوریه بعد از انتخابات با سهمگیری مردم تعیین و انتخاب میگردد و آنوقت است که میتوان به آنها که توسط مردم انتخاب شده اند مخالفین سیاسی گفت ولی اگر منظور شما از نظر من به ارتباط مخالفین باشد میتوان شمارا در جمله مخالفین شمرد در صورتیکه اگر شما ناسیونالیستی سوری میداشتید یا وقتیکه شما تنها مربوط به کشور خود با شید آیا شما را نمیتوان مخالف سیاسی گفت . یا نمیتوان کسی را مخالف سیاسی گفت که در وزارت خارجه یک کشور دیگر به حیث یک فرد به تشکیل یک نهاد پردازید و یا شعبه ای جاسوسی و اطلاعات را بسازید - پس شما نمیتوانید یک دست نشاندۀ با شید و یا شما نمیتوانید یک جانشین مزدور با شید؟ بلکه شما تنها باید یک سوری واقعی باشید .

**ریس جمهور اسد:** هر شهروند سوری که کشورش را ترک مینماید او خود سوریه را از دست میدهد .

**پرسش شانزدهم:** ما اکنون در اروپا و در ایتالیا شهروندان بیشتر سوریه را می بینیم یعنی مهاجرین سوری را که مهاجر شده اند لذا شما در مورد این مردم مهاجر چه نظر دارید که اینها آیا مردم گریزی و فراری نیستند؟

**ریس جمهور اسد:** البته من چنین می اندیشم: هر آن شهروند سوری که این کشور را ترک مینماید در واقعیت امر سوریه را از دست میدهد و من یقیناً از این وضع و حالت غمگین و متاثرام چونکه هر یک آنها از مدت های طولانی دچار رنج و عذاب بودند و از وضع نارام و نا امن کشورشان مشوش و مضطرب بودند و آنها با در نظر داشت همین وضع نا امن کشور را ترک گفتند و روانه ای سرگذشت نا معلومی شدند- باید بخاطر داشت که چه عوامل باعث ترک سوری ها از کشورشان شد - از جمله این عوامل یک عامل عمده را میتوان تهدید مستقیم تروریست ها دانست نه تنها تهدید بمرگ توسط تروریستها بلکه همین تروریست های آدمکش تمام دار و ندار آنها را به یغما بردند خانه و کاشانه و زمین و ثروت شان را با خاک یکسان ساختند که میتوان آن را عامل

دومی پنداشت عامل سوم اینکه این هم میهنان ما از مدت ها در تحت تحریم های اجباری اقتصادی قرار داشتند که توسط غربی ها بالای کشور ما تحمیل شده است - لذا اگر شما از این هم میهن مهاجر ما بپرسید که آیا میخواهید دوباره بوطن تان برگردید جواب آنها نی (نه) خواهد بود چونکه آنها در سوریه تمام دار و ندار خود را از دست داده اند و به یک جمعیت فقیر و ناتوان مبدل شده اند پس از یکطرف تحریم های طاقت فرسا توسط غرب و از جانبی رشد و بسط شدن تمام تروریست ها و وولگردهای انسان کش مردم سوریه را واداشت تا بین شیطان و سفر از راه بحر عمیق آبی سرنوشت خود را تعیین نمایند یعنی برای مردم مهاجر در سوریه چیزی باقی نمانده است تا آنها برگردند و در اینجا امرار حیات نمایند .

**پرسش هفدهم :** اما بهر صورت شما در این مورد چه احساس مینمایید که چرا بالای مردم شما این حالت بوقوع پیوست و یا چرا مردم شما به این سرنوشت مبتلا شدند؟

**ریس جمهور اسد :** منظور شما از شخص من است؟

**پرسش هژدهم :** بلی .

**ریس جمهور اسد :** چیزی را که باید صریحاً خاطر نشان سازم اینست که ما از آغاز این بحرا و یا از آغاز این جنگ تحمیلی و فعالیت های تروریستها خواهان دیا لوگ و مذاکره بودیم و باب مذاکره را بخاطر ختم این بحران باز گذاشته بودیم و تا همین اکنون باز نگه داشته ایم لهذا دیگر چه می باید کرد؟ آیا کسی خواهد بود که مخالف مذاکره باشد؟ و یا آیا کسی خواهد بود که جنگ علیه ترورزم را نخواهد؟ اگر شما میخواهد که به این سوالات جواب مفصل داده شود و یا به ارتباط دروغ پراگنی ها و تبلیغات زهر آگین غرب بپردازیم بجز از ضایع کردن وقت چیزی دیگری بدست نخواهیم آورد - چونکه پراپلم غربی ها از آغاز این بحران تاکنون اینست که ما این ریس جمهور (من) را نمیخواهیم ، آنها میخواهند که دولت سوریه سرنگون شود و بجای آن کسی دیگری گماشته شود که اجندای دلخواه غرب را مراعات نماید ، خلاصه اینکه دولت سوریه باید منقرض گردد چونکه ما دولتی داریم که آنها چنین دولتی را نمیخواهند - همین اکنون ما دولتی داریم که در آن تمام مفاهیم و اصول و اساسات دولتمداری رعایت میشود ما رژیم نداریم؟ بلکه ما دولت داریم؟ من

در مورد آن مفاهیمی صحبت مینمایم که غربی ها آن را به ارتباط تغییر رژیم  
نشخوار مینمایند پس شما میتوانید هر آنکس را که بخواهد سرزنش نماید اما  
در اینصورت شما غربی ها ملامت و مقصر هستید که از تروریست ها حمایت  
و پشتیبانی مینمایید و برای حمایت خود از تروریستها در پی یافتن بهانه هستید  
- باید از شما غربی ها پرسیده شود که موسس دولت عراق و سوریه کی ها  
اند یا کی ها دولت داعش را بوجود آورد؟ و یا کی ها شاخه النصر را خلق  
کرد؟ جواب ساده است و آن اینکه موسس تمام این سازمانها ی تروریست و آدم  
کش غربی ها اند تا این سازمان ها را بخاطر تامین منافع خود در منطقه در  
تحت نظارت و حمایت و پشتیبانی داشته باشند که این موضوع اکنون برای  
همه مردم دنیا اظهر من الشمس است .

**پرسش نهم :** بیدون کدام احساس مسولیت ؟

**ریس جمهور اسد :** البته من به صفت یک شهروند سوری میتوانم بگویم که  
ما نیز مبرا از خطا و اشتباه نبوده ایم این به همه کس هویدا است و آن اینکه  
هر کس که کار و فعالیت نماید در هنگام کار و فعالیت خود ناگذیر بعضی اوقات  
اشتباه نیز مینماید که این خود خصیصه هر انسان فعال و کارکن میباشد و یا  
در نیل به هدف و رسیدن به استراتژی از قبل وضع شده خود در اجرای تکنیک  
ها ممکن مرتکب اشتباه شود لذا با در نظر داشت همین اصل میتوان گفت که  
هر شهروند سوری آنچه که در سوریه اتفاق افتاده است مسولیتی دارند و نباید  
از همچو مسولیت شنا نه خالی نمایند بلی ما مردم سوریه خود را مسول میدانیم  
که چرا گذاشتیم که تروریست ها به کشور ما بیایند و به فعالیت های تروریستی  
داخل اقدام شوند چونکه بعضی از سوری ها اندیشه های همانند تروریست ها  
را داشتند و یا اینکه برخی از شهروندان سوری بصورت آگاهانه مزدوری و برده  
گی بیرونی ها را پذیرفتند و با جمعیت تروریستها برای جور و چپاول یکجا شدند  
این سوری ها اکثراً توسط کشورهای غربی و بواسطه بعضی از کشورهای  
خلیج متحد غرب استخدام شدند و یا تحت چتر حمایت آنها قرار گرفتند ولی  
اگر شما محضاً در ارتباط به مسولیت من پرسشی دارید تفصیل آن فکر میکنم  
اکنون مشکل به نظر می آید و از تحمل این نشست مطبوعاتی بیرون و مشکل  
است که در مورد آن همین اکنون قضاوت صورت گیرد .

**پرسش بیستم :** اجازه دهید که از جناب شما بپرسم که سفر شما به مسکو

چطور بود؟

**ریس جمهور اسد** : من در این سفر رسمی مسایل مربوط به وضع نظامی کشورم را با جانب روسیه در میان گذاشتم و از رویدادهای اخیری که در طول دو هفته بعد از حملات هوای روسیه بالای تروریستها در سوریه صورت گرفت پیرامون آن به جروب بحث سیاسی و آنهم به ارتباط بگومگو های که در نشست «ویانا 1» راجع به وضع سوریه صورت گرفته بود پرداختیم برای من این ملاقات بیشتر مثمر و قابل ملاحظه بود از اینکه روسیه از اوضاع موجود منطقه تحت منازعه از معلومات کافی و همه جانبه برخوردار است چونکه روسیه از نظر تاریخی به این منطقه ارتباط تنگاتنگ داشته و هم در منطقه ما سفارت خانه های روسیه از قبل وجود داشته که وقتاً فوقتاً هر نوع رخداد ها را در منطقه با عینک سیاسی و دیپلوماسی خود با پیروی از میثاق های بین المللی دنبال نموده و نقش خود را بازی نموده است من بصراحت میتوان بشما اظهار نمایم که این سفر من یک سفر مثمر و مفید برای کشور من بود.

**پرسش بیست و یکم** : پاپ از «واتیکان» روم طی یک صحبت خود بیان داشت که کشت و کشتار در تحت نام خدا توهین به مقدسات است ، از جناب شما میخواهم بپرسم که آیا این جنگ قبل از همه یک جنگ مذهبی است؟

**ریس جمهور اسد** : نه البته که این جنگ یک جنگ مذهبی نیست بلکه این جنگ ، جنگ آنها بی است که از مذهب و آیین اسلامی واقعی جدا شده اند یعنی به اصطلاح عوام الناس مردمان لا مذهب و گروه مسلمانان افراطی مجزا از پیروان اسلام واقعی اند و کسانی اند که ما شین جنگی را با کمک و پول استخدام شوندگان خود به پیش میبرند اینها برای توجیه این جنگ غیر اسلامی و غیر انسانی بالای خود بخاطر فریب مردم ساده و مسلمانان واقعی نامهای از قبیل جنگ با کفار ، جنگ با مسیحت و جنگ با مذاهب دیگر گذاشته اند و در تحت همین عناوین به جنگ ادامه میدهند و در جمع آوری مال غنیمت از هیچ نوع اعمال شنیع و غیر اسلامی دریغ نمی ورزند پس این جنگ در واقعیت امر بین مسلمانان افراطی و مسلمانان میانه رو میباشد و یا بهتر است گفته شود که اینها با همچو اعمال خود به دین واقعی اسلام لطمه میزنند و بس .

**پرسش بیست دوم** : آنها یعنی این مسلمانان افراطی مردم را در تحت نام خدا بزرگ است به قتل میرسانند چونکه در هنگام کشتار و قتل کلمه **الله اکبر**

را به آواز بلند بکار میبرند؟

**ریس جمهور اسد:** واقعاً همینطور است چونکه آنها با بکار بردن همین واژهء مقدس ما شین جنگی خود را بجلومیرانند - آنها نعره تکبیر یا «الله اکبر» را برای فریب مسلمانان ساده دل و واقعی بکار میبرند و آنها را متقاعد می سازند که ما در راه خدا و بخاطر استحکام دین اسلام جهاد و مجاهدت می نمایم در حالیکه این جنگ و یا این عمل این انسانهای بی رحم و خدا نافرسان عمل اسلامی نیست بلکه یک عمل شیطانیه و ابلیسی است نباید فراموش کرد که اکثر این شیاطین موضوعات اسلام را میدانند و عمداً از اصول اسلام و اسلامیت اغماض مینمایند و به خود تلقین میدارند که این جنگ و یا این عمل امر خداوند است در حالیکه این نوع کردار بجز از انحراف چیزی دیگری نیست یعنی اینها فهمیده و نافهمیده مردمان منحرف از اساسات دین مبین اسلام اند.

**پرسش بیست و سوم:** شما راجع ب مردم مسیحی سوریه و درباره سرنوشت آینده آنها چه فکر میکنید؟

**ریس جمهور اسد:** به نظر من واقعیت چنین است که مردم ایتالیا و یا اکثر مردم اروپا این منطقه یعنی منطقه ما را و یا بویژه سوریه را از نقطه نظر سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بصفت یک منطقه میان نه رو و متعادل می پندارند و دلیل آن متنوع بودن فرقه های ایتنیکی جامعه ماست اما یک دلیل عمده دیگر و غیر فراموش شدنی تاریخ کهن مسیحیت در این سرزمین است که البته دین اسلام چهارده قرن قبل در این حوزه و منطقه بوجود آمد بعد از آمدن مذهب اسلام در منطقه سلطه ای مسیحیت از هم فروپاشید یعنیکه تضعیف شد و زمینه برای رشد افراطیت اسلامی بیشتر مساعد گردید ولی باید خاطر نشان ساخت که مسیحیت را نمیتوان از تاریخ و فرهنگ و آیندهء سوریه جدا ساخت و آن بدین مفهوم که اگر سوریه آیندهء بهتر داشته باشد در آنصورت آیندهء همه بخش ها و جمعتهای ایتنیکی سوریه بشمول پیروان مسیحی آینده درخشان و بهتری خواهند داشت.

**پرسش بیست و چهارم:** خوب، آنطوریکه شما برای آنها یعنی برای پیروان مسیح آینده خوب را در اینجا پیشبینی مینماید آیا این خود یک خوشباوری نیست در حالیکه همین اکنون پیروان مسیح در این جنگ در تحت هدف و نشانی قرار دارند؟



**ریس جمهور اسد** : نه البته که این درست نیست ! واقعیت چنین است که تعداد بیشتر مسلمانان نسبت به پیروان مسیح در اینجا توسط تروریستها بقتل میرسند پس شما نمیتواند بگوید که محضاً پیروان مسیح در این جنگ در تحت ضربه و هدف و نشانی تروریستها قرار دارند ، لازم است تا مجدداً خاطر نشان سازم که این تروریستها یکه در زیر نام خدا ویا به رضای خدا با ذکر واژه ء الله اکبر مردم را بقتل میرسند بیشتر کسانی را تحت هدف قرار میدهند که به گفته ای آنها بی خدا ویا (Atheist) باشند .

**پرسش بیست و پنجم** : آقای ریس جمهور ، قبل از آنکه این مصاحبه را به پایان رسانیم اجازه دهید که آخرین پرسشی را از شما بنمایم و آن اینکه شما آینده خود را چسان می بینید ؟ آیا شما به این اندیشه هستید که آینده سوریه در صورتیکه شما در قدرت باقی بمانید بهتر خواهد شد ویا ماندن شما در قدرت برای آینده سوریه مهم خواهد بود ؟

**ریس جمهور اسد** : این کاملاً هویدا است که هر آن چیزیکه در آینده در سوریه بوقوع می پیوستد بما و به مردم سوریه تعلق میگیرد ویا مربوط میشود اگر کشورم مصون ودرامن باشد من نیز طبعاً درامن میباشم ولی اگر آینده سوریه خوب نباشد پس در آنصورت من هم آینده ء خوب نخواهم داشت که البته این یک موضوع کاملاً پذیرفته شده تلقی میگردد ولی اگر شما مجدداً بود و ناپود من را بمقابل یکدیگر قرار دهید یا مثلیکه بگوید : که اگر من به حیث ریس جمهور در اینجا باقی بمانم آینده سوریه بد و بدتر خواهد شد یا که اگر من نباشم آینده سوریه بهتر خواهد شد این طور بگو مگو ها تبلیغات لجام گسیخته و زهر آگین غرب است که همچو تبلیغات به هیچ صورت در مورد سوریه صدق نمیکند یعنی که شما در سوریه مردمی داشته باشید که ریس جمهور را حمایت نمایند ویا مردمی داشته باشید که ریس جمهور را حمایت نه نمایند لذا اگر آینده ء من خوب باشد ویا اگر مردم سوریه من را بخواهند که در این مقام باقی بمانم پس در آنصورت آینده ء خوبی خواهم داشت ویا اگر نخواهند آینده بدی خواهم داشت و با در نظر داشت همین اصل در تلاش آن شوم که در همین مقام خود باقی بمانم اجازه دهید تا صریحاً اظهار نمایم که همچو تلاش ها بخاطر ما ندن در قدرت برایم مناسبت نخواهد بود و من ابداً در صدد همچو تلاشها نمی باشم و نخواهم تلاش بخرچ داد واینرا نیز باید بیافزایم که نباید در زیر تاثیر تبلیغات زهر آگین

غرب رفت ویا درمقابل همچو تبلیغات لجام گسیخته ای غرب از خود واکنش نشان داد چونکه این همه تبلیغات بی بند وبار غرب با واقعیت های کشور ما همخوانی و مطابقت ندارد بلکه صرف چرندیات ویاوه سرایی های غرب است که به اینسان در امور کشورهای دیگر مداخله مینماید و بس .

**ژورنالیست :** خوب تشکر از جناب شما آقای رییس جمهور که برایم فرصت دادید که با شما مصاحبه نمودم .

----- با تقدیم سلا مها